

درباره ی طرح:

مقوله امنیت از دیرباز در زمره نیازهای اولیه بشر بوده که در طول تاریخ و بنابر تغییر در مناسبات زندگی جمعی در زمانها و مکانهای مختلف معانی متفاوتی به خود گرفته است. قاعده ای که دوران ما نیز از آن مستثنی نیست. امروزه، با تحول در روابط جمعی و فهم عمومی نسبت به مقوله ی امنیت شاهد تولد مفهوم نوینی به نام امنیت اجتماعی هستیم. مفهومی که برخلاف خوانش پیشین از امنیت تمرکز خود را نه بر ثبات سیاسی دولتهای ملی که بر اطمینان خاطر افراد و گروه های اجتماعی نسبت به حفظ موجودیت، هویت و ارزشهایشان در برابر مخاطرات ناشی از تحولات عمدی و تحرکات عمدی قرار میدهد و ابعاد پنجگانه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی را شامل میشود و ذیل آن مقوله امنیت با رویکردی نرم و ایجابی تحلیل و بررسی میشود. همانگونه که مشخص است این مفهوم متضمن چرخشی بنیادین در شناسایی مرجع امنیت است، امریکه دولت-مبنایی این مفهوم در برداشت کلاسیک را به چالش می طلبد. از دیگر سو، این مفهوم با احصاء بنیانهای ارزشی و هویتی امنیت، از ذات باوری برداشت وستفالیایی فاصله گرفته و امنیت را مقوله ای زمینه مند می داند. با زمینه مند شدن این مفهوم، میتوان نوعی نسبیّت گرایی در ارجاع به آن را شاهد بود و در پرتو آن از اقسام مختلف و متکثری از نظامات امنیتی که ریشه در نظامات اجتماعی گونه گون دارند، سخن به میان آورد. در این شرایط کلیتهای فرهنگی مختلف با توجه به اقتضائات موجودیتی، هویتی و ارزشی خود می توانند شمای کلی نظم مطلوب در چارچوب قواعد جامعه ای ایمن را طراحی کنند. چنین امری در بسیاری از کشورهای جهان مطمح نظر بوده و در راستای تحقق آن تلاشهایی به ویژه در عرصه علمی صورت گرفته است. با این وجود، در ایران مفهوم امنیت اجتماعی همچنان در حاشیه باقی مانده و مفاهیم و مولفه های دخیل در امنیت اجتماعی و ماهیت سازوکارهای عینیت یابی این مفهوم در بستر جامعه ی ایران در قالب الگویی جامع معرفی نشده است. بدین منظور، ارائه یک مدل مفهومی که بیانگر چگونگی تولید، توسعه و یا تضعیف و تحدید امنیت اجتماعی در کشور باشد، امری ضروری به نظر می رسد و تلاش این پژوهش را مصروف خود خواهد ساخت. طبعاً پیش از این مدلی مفهومی از امنیت اجتماعی در ایران ارائه نشده است، امریکه با نوپدید بودن این حوزه مطالعاتی در پیوند است و از دیگر سو مسئله کانونی که ارائه چنین مدلی را حائز اهمیت میکند آن است که مفهوم امنیت اجتماعی دارای اجزا و ابعاد متعددی است و بدون پیوند زدن این اجزاء ذیل یک مدل واحد ترسیم یک تصویر کامل از وضعیت امنیت اجتماعی در کشور میسر نخواهد بود. در واقع، ارائه یک مدل مفهومی از امنیت اجتماعی در ایران نه تنها امکان توصیفی دقیقتر از شرایط اجتماعی امنیت در کشور را فراهم می آورد که امکان تبیین علل زمینه ساز امنیت و ناامنی در نظام اجتماعی را به دست میدهد. مدل مفهومی یاد شده با تبیین مفاهیم دخیل و تاثیرگذار بر امنیت اجتماعی در جامعه ایرانی و

^۱ عضو هیئت علمی گروه پژوهشی جامعه و امنیت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

توصیف عملکرد آنها ذیل یک نظام یکپارچه و در قالب فرایندهای مشترک نشان می‌دهد که چگونه امنیت اجتماعی به مثابه یک برآیند کلان از درون روابط متقابل میان عناصر و ابعاد مختلف نظام اجتماعی پدیدار میشود.

در راستای این امر، تحقیق حاضر پرسشهایی چند را پیش روی دارد، از جمله اینکه ذیل مدل مفهومی امنیت اجتماعی در ایران چه نسبتی میتوان میان امنیت بنیادین، ارزشها و هویت اجتماعی ترسیم نمود؟ و یا اینکه میان رویکرد اجتماعی امنیت، رویکرد نرم به امنیت و امنیت ایجابی چه اشتراکات و افتراقات مفهومی وجود دارد؟ و از همه مهمتر آنکه چگونه میتوان ابعاد و مولفه های موثر بر امنیت اجتماعی در ایران را ذیل یک مدل مفهومی واحد ترسیم کرده و به تصویری جامع به منظور توضیح و تبیین وضعیت امنیت در ایران دست یافت؟ پاسخ به پرسشهای یاد شده مستلزم شناسایی عناصر نظری امنیت اجتماعی در ایران است عناصری که بتوان با تبیین آنها تاثیر و تاثر آنها از امنیت اجتماعی را مشخص کرده و ارتباط متقابل آنها در فرایند تولید امنیت جامعه ای و یا ایجاد ناامنی جامعه ای را دریافت. بازه زمانی تحقیق به ایران امروز اختصاص دارد بدین دلیل که امنیت اجتماعی امری انضمامی است و منطبق با شرایط روز هر جامعه قابل تبیین است. البته این مسئله یک وجه هستی شناختی نیز دارد بدین معنا که معطوف به شناخت مقتضیات زندگی اجتماعی در کشور است. لذا این بحث در مقام شناخت ماهیت امنیت اجتماعی معرفت شناختی و در مقام شناخت سازو کارهای تولید و بازتولید امنیت هستی شناختی است.

تحقیق حاضر متشکل از پنج فصل است. در فصل نخست تحقیق کلیات و مبانی تحقیق مشتمل بر بیان مسئله، پرسشهای اصلی و فرعی، ضرورت و اهمیت تحقیق، ملاحظات نظری، اهداف و روش تحقیق خواهد آمد. در فصل دوم به ادبیات نظری و پیشینه ی مفهومی امنیت اجتماعی در ادبیات کلاسیک و جدید امنیت پژوهی خواهیم پرداخت و تطور، تحول و سیر مفهومی آنرا در جهان و ایران به نظاره خواهیم نشست تا نسبت به اشارات و دلالت های جامعه شناختی و در ادامه امنیت شناختی آن تصویری عام به دست داده و در راستای پیشبرد تحقیق از آن بهره جوییم. در فصل سوم، تلاش خواهد شد تا گذار پارادایمی از امنیت سیاسی به امنیت جامعه ای یا اجتماعی را ترسیم کنیم. در این فصل نشان خواهیم داد که رویکرد فرهنگی به امنیت مقارن با اصول نظری امنیت اجتماعی یا جامعه بنیاد است. در فصل چهارم نیز متغیرهای مفهومی دخیل در امنیت اجتماعی شناسایی و ارزیابی میشوند و ماهیت این متغیرهای مفهومی شرح داده میشود. در نهایت در فصل پنجم به بررسی روابط درونی این متغیرها و تاثیرات حاصله از آن بر امنیت اجتماعی میپردازیم. در این فصل که مهمترین بخش از تحقیق نیز به حساب می آید، هدف شناخت نوع و ماهیت رابطه متقابل میان موجودیت های احصاء شده ذیل یک نظام معین از روابط ثابت و ترسیم رابطه میان موجودیت های شناخته شده در قالب یک مدل مفهومی است. در این مرحله مدلی از روابط ارائه خواهد شد که بر پایه آن رویه ها و مناسبات مشخصی در جریان است و امنیت اجتماعی را میتوان برآیند این روابط متقابل میان موجودیت های مشخص شده دانست.